وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ○

جن وانس را مگر برای آنکه بشناسند مرا (۱)

سورهٔ الذاریات آیهٔ ۵۶

معرفت الله (ج)

تعریف معرفت : معرفت در لغت به معنی علم است .

و در اصطلاح عبارت است از علم داشتن به اسماء و صفات الله جل جلاله با تصدیق نمودن خداوند «ج» را در معامله اش (۲) .

تعریف یقین : یقین در لغت به معنی علمی است که بدون شک باشد .

---

(۱) ترجمهٔ مذکور جهت مناسبت مقام از تفسیر روح البیان نقل کرده شده است .

(۲) یعنی خداوند «ج» صادق می باشد در معامله خود با بندگان .

و در اصطلاح دیدن ذوات است به قوهٔ ایمان ـ که تمام آنها ساخته شدهٔ خدا است .

و یقین را سه مرتبه است :

۱ ـ علم الیقین : علم الیقین عبارت است از آنچه که حاصل می شود از فکر و نظر .

۲ ـ عین الیقین : عین الیقین عبارت است از آنچه که حاصل میشود از دیدن و معاینه کردن .

۳ ـ حق الیقین : حق الیقین عبارت است از آنچه که حاصل میشود از اجتماع هردو (فکر و دیدن) .

مرتبهٔ اول عوام علماء را ، دوم خواص علماء و اولیاء را و سوم انبیاء علیهم السلام را است .

مگر تمام مؤمنین در نفس معرفت و یقین برابر میباشند .

نوت :

۱ - منظور شناسیم خدا جل جلاله را به معرفت حق آنش طوریکه به آن ما را مکلف ساخته است و چنانچه خود را صفت کرده است به تمام صفات خویش و آنچه از اسماء نیک او در قرآن کریم و حدیث شریف ثابت شده است .

۲ - قدرت نداریم بمعرفت ذات خدا ج ، چنانچه گفته میشود « مَاعَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ » (نه شناخته ایم ترا به شناسائی حق تو)

۳ - معرفت و اطاعت خدا ج ، از طریق شریعت لازم است .

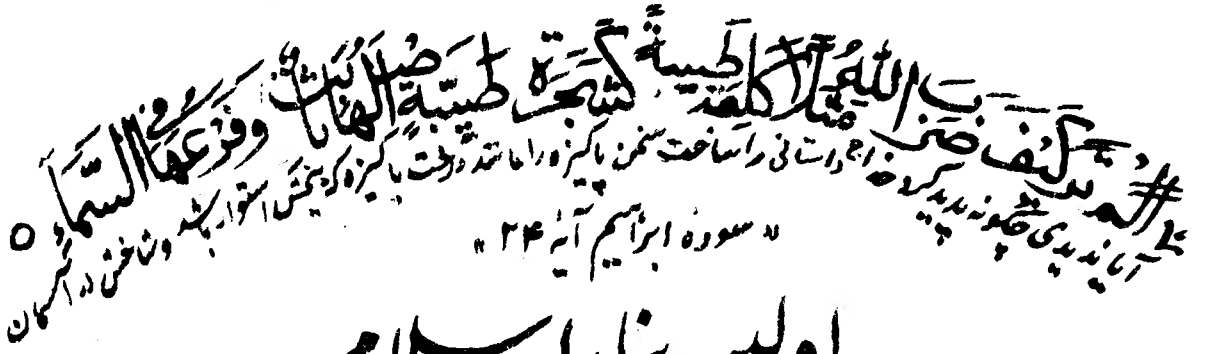
الم تر کیف ضرب اللہ مثلا کلمۃ طیبۃ کشجرۃ طیبۃ اصلھا ثابت وفرعھا فی السماء ○
آیا ندیدی چگونہ بیان کرد خدا مثلی را کلمہ پاکیزہ را مانند درخت پاکیزہ کہ بیخش استوار باشد و شاخش در آسمان
« سورہ ابراہیم آیہ ۲۴ »

اولین بناء اسلام

کلمۂ طیبہ : لَآ اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰہِ ط اولین بناء از پنج بناء اسلام است کہ در حصۂ اول آن ذکر توحید و در حصۂ دوم آن ذکر رسالت است .

توحید : توحید عبارت است از وحدانیت خداوند ج کہ شریک و مثل ندارد صمد ، قدیم ، ازلی ، ابدی ، ظاہر و باطن است و بر این عقیدہ داشتن است کہ ذات او تعالی از جسم ، جوہر عرض ، حد و مقدار پاک است و بہ علم ، ارادہ ، سمع ، بصر

کلام ، حیات ، قدرت ، خالقیت و تمام صفات کمال .
متصف است .

رسالت : رسالت عبارت است از آنچه که انبیاء علیهم السلام از جانب خداوند ج، آورده اند .

خداوند ج، حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را به تمام عرب عجم، جن و انس مبعوث کرده اند و شریعت او را بر جمله شرایع دیگر برگزیده و او صلی الله علیه وسلم را بر تمام انبیاء علیهم السلام فضیلت و برتری داده سردار تمام بشر ساخته است . پس تنها به عقیدهٔ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ شخص مؤمن نمیشود تا که با آن مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ را قبول نکند بنابراین هر دو جمله کلمه طیبه

۱ - لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
۲ - مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ

بناء اولین اسلام است .

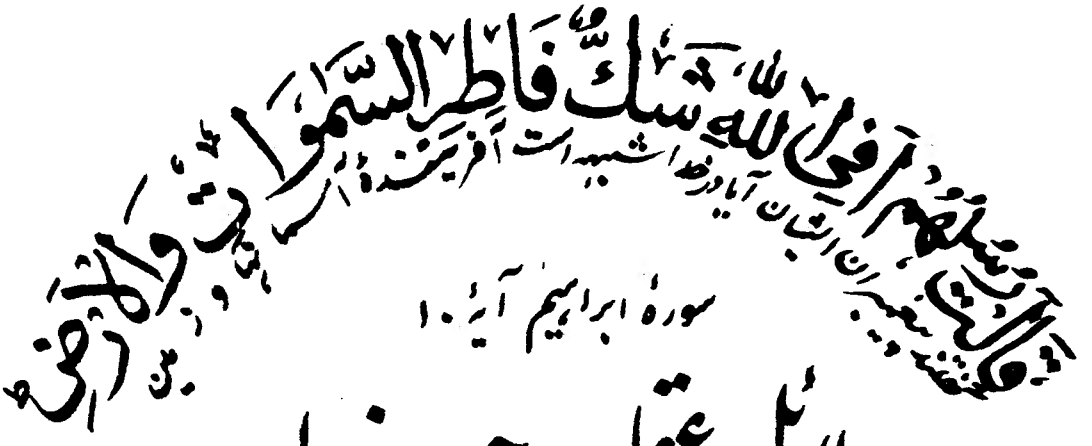

دلائل عقلی بوجود خدا ج

شاگردان عزیز! اگر به مدرسهٔ خویش متوجه شوید، درین مدرسه اطاق ها، دروازه ها، کلکین ها و دیگر اشیا را دیده می توانید. اگر شما گفته شود که این خشت و سنگ خود بخود باهم یکجا و دیوار از آن ساخته شده یا اینکه دروازه ها و شیشه ها خود بخود ساخته شده، میز و چوکی که شما بر آن نشسته اید و درس میخوانید خود بخود بدون کدام نجار ساخته شده است. یا این مدرسه بدون کدام

مهندس و معمار به این نظم و ترتیب بمیان آمده، آیا شما باین
سخن تصدیق و عقیده خواهید نمود؟ نه! هرگز نه چرا که دروازه
میز، چوکی بدون نجار و مدرسه بدون معمار موجود نمیشود پس هرگاه
یک تعمیر کوچک بدون نجار و معمار به میان آمده نمیتواند. چطور
آسمانها، زمین، آفتاب، مهتاب، انسانها، حیوانات
و دیگر مخلوقات بدون پیدایش توسط یک ذات حکیم، خالق و صانع
بمیان آمده باشد؟

پس ثابت گردید که تمام موجودات در وجود خود به خالق و صانع
محتاج اند و خالق و صانع آنها ذات خداوند حکیم است.

دلیل امام اعظم ابوحنیفه "رح" بر وجود خدا جل جلاله

می گویند در زمان حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله علیه شخصی بود که از وجود خداوند "ج" انکار می نمود و میگفت که : (این مخلوقات خود بخود پیدا گردیده) حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله علیه و شخص منکر باهم وعده نمودند که فردا بوقت معین غرض مباحثه بجائی جمع خواهیم شد فردا حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله علیه از وقتیکه آنرا تعین نموده بودند قصداً اندکی دیرتر بجائی مباحثه آمد در حالیکه دهری و بسیار مردم در آنجا به انتظار او بودند .

دهری به امام اعظم رحمة الله علیه گفت چرا بوقت وعده شده نرسیدی؟

امام اعظم "رح" گفت : در وقت آمدن من در کنار دریای دجله ناگهان

درختی خود بخود اره شد، تخته ها از آن ساخته و به ترتیب خوب با هم یکجا و یک کشتی ساخته شد. کشتی مذکور بدون کشتیبان از دریای دجله گذشت و خود بخود از طعام و متاع پر می شد و باز میگردید خود ایستاده و خالی می شد و باز رجوع میکرد بدون اینکه شخصی او را تدبیر می کرد من از واقعهٔ مذکور بسیار تعجب نمودم و و در حیرت ماندم

دهری در مقابل این سخن امام اعظم «رح» با آواز بلند خندیده گفت (این سخن محال است و امکان ندارد).

امام اعظم «رح» فرمود: هرگاه یک کشتی کوچک خود بخود ساخته نمیشود و از دریا گذشته نمیتواند، آیا این کارخانهٔ بزرگ جهان چطور خود بخود بمیان خواهد آمد و باین نظم جریان خواهد داشت.

به شنیدن این سخن امام اعظم "رح" شخص منکر از وجود خداوند "ج" بطور کلی ملامت گشت و همه حاضرین به او خندیده و ازوی نفرت نمودند.

تمرین

۱ - توحید عبارت از چه است ؟

۲ - رسالت را توضیح نمائید.

۳ - برای اثبات وجود خداوند "ج" یک دلیل عقلی بگوئید.

۴ - حضرت امام اعظم ابو حنیفه "رح" وجود خداوند "ج" را بکدام دلیل ثابت نمود ؟

بسم الله الرحمن الرحیم

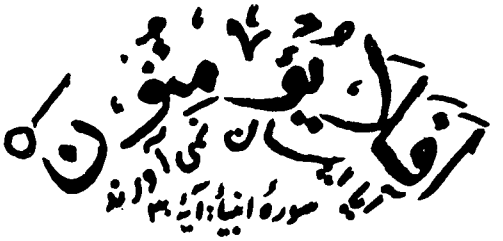

ایمان

ایمان در لغت بمعنای یقین و باور کردن است . و در اصطلاح علم عقاید عبارت از « اقرار باللسان و تصدیق بالقلب » است یعنی اقرار کردن بزبان و باور کردن بدل را ایمان میگویند .
و مؤمن کسی را گویند که آنچه را آنحضرت « ص » از جانب خداوند « ج » آورده است بدل تصدیق و قبول نموده و بر زبان اقرار نماید .

صفات خداوند «ج»

صفات خداوند «ج» بدو قسم اند:

۱ - صفات ذاتی.

۲ - صفات فعلی.

صفات ذاتی: صفات ذاتی عبارت از آن صفاتی اند که خداوند «ج» به آنها متصف است و به ضد آنها موصوف نمیشود و از ذات او هیچگاه انفکاک نمی یابند مانند علم که ضد آن جهل است صفات ذاتی خداوند «ج» هفت اند که قرار ذیل شرح میشوند:

۱ - **حیات** (زنده بودن): این صفت خداوند «ج» ازلی و قدیم است که او تعالی همیشه زنده بوده و می باشد و بضد آن

که مرگ است موصوف نمیشود .

۲ - **قدرت** (توانائی) : خداوند «ج» قادر است بقدرت ازلی خویش بر هر آنچه که اراده کند آنرا کرده میتواند مثلاً قدرت دارد که زنده را بمیراند و مرده را زنده کند . ضعیف را قوی سازد وقوی را شکست دهد ، شخصی را مغفرت کند و شخصی را عذاب دهد وخداوند «ج» بر ضد قدرت که عجز است موصوف نمیشود .

۳ - **علم** (دانستن) : یکی از صفات ذاتی خداوند «ج» علم است یعنی او تعالی عالم است به تمام موجودات و ذرهٔ در عالم هستی از علم او (ج) خارج نیست از اسرار دلهای مردم باخبر است به نفاق منافق ، ایمان مؤمن ، جهاد مجاهد ، اخلاص بندهٔ مخلص و خیانت خائن علم دارد و این صفت او تعالی نیز قدیم و ازلی است و بضد او

که جهل است موصوف نمیگردد .

۴ ـ **کلام** (سخن گفتن) : یکی از صفات ذاتی خداوند ج ، کلام است یعنی خداوند ج ، متکلم است بدون آلات وحروف و کلام او تعالی مانند کلام مخلوقات نیست زیرا که آنها بدون آلات و حروف سخن گفته نمیتوانند و خداوند ج ، به ضد کلام که گنگ بودن است ـــ موصوف نمیشود و قرآنکریم کلام ازلی خداوند ج است

۵ ـ **سمع** (شنیدن) : یکی از صفات ذاتی خداوند ج ، سمع بوده یعنی الله تعالی سمیع است تمام آوازها و سخنان آهسته و بلند ، سخنهای نیک و بد مخلوقات را بسمع ازلی خود می شنود به سخنان نیک آنها ثواب و به سخنهای بد آنها عذاب میدهد . وخداوند ج ، بضد سمع که صمم (کر بودن) است موصوف نمیشود

۶ - بصر (بینائی) : یکی از صفات ذاتی خداوند «ج» بصر است یعنی خداوند «ج» بیننده تمام مخلوقات است و از دیدن وی هیچ چیزی پوشیده و بیرون نیست ، رفتار مور سیاه را در شب تاریک بر سنگ سخت می بیند اگر کسی در شب تاریک دزدی یا گناه دیگر کند آنرا می بیند و جزا میدهد و اگر کسی در شب تاریک جهاد کند و یا نماز تهجد بخواند آنرا نیز می بیند و ثواب میدهد . این صفت خداوند «ج» قدیم است وضد آن عمی (نابینائی) است که به آن موصوف نمیشود

۷ - اراده (خواستن وقصد کردن) : یکی از صفات ذاتی خداوند «ج» اراده است یعنی هر چیزی که پیدا شده یا پیدا میشود به ارادهٔ اوست و هیچ چیزی در دنیا و آخرت ، از خیر ، شر ، خورد

کلان ، کم ، زیاد ، فایده و نقصان بدون ارادهٔ خداوند «ج» موجود نمیشود

صفات فعلی : صفات فعلی عبارت از آن صفاتی اند که خداوند «ج» به آن متصف است و بضد آنها هم موصوف میشود مانند غضب که ضد آن رحمت است خداوند «ج» موصوف به صفت رحمت می گردد . و صفات فعلی خداوند «ج» زیاد است که بطور مثال:

۱ - **تخلیق** (آفریدن) : خداوند «ج» پیدا کنندهٔ زمین ، آسمانها جنت ، دوزخ ، شب ، روز و خالق تمام مخلوقات است هرچیزی را که خداوند «ج» بخواهد پیدا کرده می تواند و ضد تخلیق پیدا نکردن است اگر خداوند «ج» پیدا کردن چیزی را نخواهد آنرا پیدا نمیکند .

۲ - ترزیق (رزق دادن) : یکی از صفات فعلی خداوند ج ترزیق است یعنی الله جل جلاله روزی دهندهٔ تمام مخلوقات است از روی حکمت و امتحان خویش شخصی را رزق و روزی زیاد میدهد و بر دیگری رزق خود را کم می سازد که کدام یکی از آنها شکرگذاری مینماید وکدام یکی ناشکری میکند .

وضد ترزیق روزی ندادن است اگر خدا ج ، بخواهد شخصی را روزی ندهد میتواند و اختیار دارد .

۳ - احیاء (زنده نمودن) : یکی از صفات فعلی خداوند ج احیاء است یعنی خداوند ج بر زنده کردن هر چیز قادر است . وتمام چیزهائیکه در دنیا زندگی دارند به آنها الله جل جلاله حیات داده است وتمام مردم را روز قیامت زنده می کند .

وضد إحیاء إماتة (میرانیدن) است اگر الله «ج» اراده میراندن کسی را کند آنرا می میراند .

۴ - اعزاز (عزت دادن) : یکی از صفات فعلی خداوند «ج» اعزاز است هر که را بخواهد عزت میدهد و کسی را که خداوند عزت دهد عزت او را هیچ کسی به ذلت تبدیل کرده نمیتواند .

وضد اعزاز ، اذلال (خوار گردانیدن) است اگر شخصی را الله «ج» ذلیل گرداند آنرا کسی عزت داده نمیتواند عزت و ذلت هردو از جانب خدا «ج» است .

لیس کمثله شیئ ج

سورهٔ شوری آیهٔ ۱۱

فرق بین صفات خالق و مخلوق

فرق بین صفات خالق و مخلوق اینست که تمام صفات الله تعالی ذاتی باشد یا فعلی، قدیم و ازلی است و صفات مخلوق این چنین نیست بلکه مخلوق و صفات آن تماماً حادث و پیدا کرده شدهٔ خداج، اند. مثلاً خداوند ج، عالم است، علم او مانند علم بندگان نیست زیرا که علم او تعالی قدیم، ازلی، محیط و غیر مخلوق است و علم مخلوق این چنین نیست بلکه علم آنها حادث

وپیدا کردہ شدہ "ج" است .

وعلم خداوند "ج" بدون آلات واسباب است وعلم مخلوق بدین گونہ نیست .

ہمچنین تمام صفات اللہ "ج" باصفات مخلوق مشابہت ندارند چنانچہ ذات اللہ "ج" باذات مخلوق مشابہ نیست .

تمرین

۱ ـ صفات ذاتی خداوند «ج» را تعریف نمائید.

۲ ـ علم از کدام قسم صفات الله «ج» است ؟

۳ ـ اراده را تعریف نمائید.

۴ ـ صفات فعلی الله جل جلاله را تعریف نمائید.

۵ ـ احیاء از کدام قسم صفات خداوند «ج» است ؟

اگر کسی بزبان اقرار نماید مگر بدل تصدیق و قبول نکند مؤمن نیست بلکه منافق گفته می شود و همچنین معرفت «تصدیق در دل» به تنهائی بدون اقرار بزبان ایمان گفته نمی شود .

واگر مسلمانی به صدق و خلوص کامل ایمان دارد و دلش بر آن مطمئن باشد ولی از روی جبر و اکراه کلمهٔ[1] کفر را بزبان جاری نمود چنین شخص کافر نبوده بلکه مؤمن است .

و مؤمنان در اصل ایمان باعتبار مؤمن به[2] مساوی اند زیرا که اصل ایمان زیادت و نقصان را قبول نمی نماید مگر نظر به اعمال بعضی آنها

---

(۱) اما مقام بلند تر آنست که مرتد را قبول کند و چنان کلمه را اظهار نماید .

(۲) آنچه که رسول صلی الله علیه وسلم از نزد خدا جل جلاله آورده است .

خداوند «ج» جسم، جوهر و عرض نیست

خداوند «ج» جسم نیست : زیرا جسم عبارت است از آنچه که دارای طول، عرض و عمق باشد.
و هر جسم تقسیم را قبول مینماید و هر آنچه تقسیم را قبول مینماید مُحدَث (پیدا کرده شده) میباشد و هر مُحدَث (پیدا کرده شده) محتاج مُحدِث (پیدا کننده) میباشد و احتیاج صفت مخلوق است نه صفت خالق پس معلوم شد که خداوند «ج» جسم نیست.

خداوند «ج» جوهر نیست : زیرا که جوهر[1] محل عوارض و حوادث است و او تعالی از این صفت که محل عوارض باشد منزه است.

---

(۱) عبارت است از آنچه که قایم به ذات خود باشد مانند لوح.

خداوند(ج) عرض نیست :

زیراکه عرض عبارت است از آن چیزیکه بذات خود قایم نبوده بلکه در وجود خود محتاج به غیر میباشد و خداوند تعالی از احتیاج منزه است .

خداوند «ج» از جهت و مکان منزه است

خداوند جل جلاله از جهت و مکان منزه است زیرا هر آنچه را جهت و مکان باشد حادث می باشد و خداوند «ج» از حدوث منزه است

نوت : اقرار میکنیم که خداوند «ج» بر عرش استوی بلا کیف کرده طوریکه به شان او تعالی مناسب است و آیه کریمه (الرحمن علی العرش استوی) از آیت های متشابهات است یعنی آیت هائیکه بر معنی آنها غیر از خداوند «ج» کسی دیگری علم ندارد .

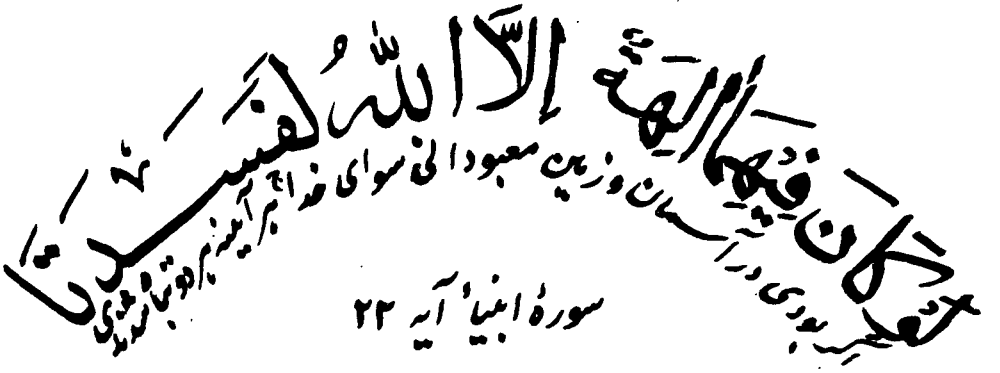

خداوند ج مثل و شریک ندارد

خداوند ج، یکی است، هیچ شریک و مثل ندارد، هیچکس مشابه و مساوی او نیست و نه کسی در مقابل او واقع است که با وی مقابله یا مخالفت کند. خداوند ج، در قرآن کریم فرموده است (اگر بودی در آسمان و زمین معبودانی سوای خدا ج، هر آئینه هر دو تباه شدندی).

و دلیل عقلی بر آن اینست: اگر عیاذاً بالله دو خدا می بود و یکی آنها ارادهٔ کردن یک کار را میکرد و دوم به موافقت او مجبور

می بود پس واضح است که دوهم عاجز و بی قدرت بوده و اگر
فرض کنیم که دوهم به مدافعه و مخالفت اول قادر می بود پس
دوهم قادر و غالب بوده و اول ضعیف و ناتوان. و ذات ضعیف
و ناتوان خدانیست پس معلوم
گردید که خداوند «ج» مثل و شریک ندارد. همچنین اگر عیاذاً بالله
دو خدا باشد و هردو اتفاق نمایند باز هم نظم و نسق دنیا برهم میخورد زیرا
که امکان اختلاف موجود است و امکان اختلاف نیز منافی
الوهیت می باشد!

تمرین

۱ - خداوند جل جلاله بکدام دلیل جسم نیست ؟

۲ - خداوند جل جلاله بکدام دلیل از جهت و مکان منزه است ؟

۳ - خداوند جل جلاله بکدام دلیل مثل و شریک ندارد ؟

لا یعصون الله ما امرهم ویفعلون ما یؤمرون

سورهٔ التحریم آیهٔ ۶

ملائکه

یکی از اموری که مسلمان باید به آن ایمان داشته باشد ملائک است. ملائک اجسام نورانی اند که به اشکال مختلفه متشکل میشوند، هرگز خداوند «ج» را نافرمانی نمیکنند به مرد بودن و زن بودن متصف نیستند از جملهٔ فرشتگان چهار فرشته مقرب اند

۱ - حضرت جبرئیل علیه السلام ۲ - حضرت میکائیل علیه السلام

۳ - حضرت عزرائیل علیه السّلام .

۴ - حضرت اسرافیل علیه السّلام .

وظائف عمدهٔ ملائکه

جبرئیل علیه السّلام : وحی رساندن به پیامبران .

میکائیل علیه السّلام : روزی رساندن به مخلوقات .

عزرائیل علیه السّلام : قبض کردن روح مخلوقات .

اسرافیل علیه السّلام : دمیدن در صور .

با دمیدن اوّل در صور روح همهٔ موجودات زنده قبض میشود .

با نفخهٔ صور دوم روح همهٔ آنها به بدن شان باز می گردد .

بعضی از فرشتگان به پاسداری انسانها و
برخی به نوشتن نامهٔ اعمال انسان ها مصروف میباشند. برای
هر انسان دو فرشته مؤظف اند، که یکی از ایشان اعمال نیک
و دیگری اعمال ناشایسته او را در دفتر عمل نامه اش ثبت
می کند.

عدهٔ از فرشتگان باستقبال نیکوکاران در بهشت -
وعدهٔ به تعذیب گنهکاران در دوزخ مصروف اند.

تمرین

۱ - ملائک کدام قسم اجسام اند ؟

۲ - ملائک مقرب چند است نام هریک را بگوئید

۳ - وظائف عمدهٔ ملائک مقرب را شرح دهید .

۴ - برای نوشتن اعمال هر انسان چند ملک مقرر است

بر بعضی دیگر فضیلت دارند و اعمال در ایمان داخل نیست و مؤمن به کردن گناه[1] کافر نمی شود اگرچه گناه کبیره باشد بلکه بکردن گناه کبیره گناه کار و فاسق میگردد و اگر آنرا حلال بداند کافر شمرده میشود

---

(۱) وعن انس رض، قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم : ثلث من اصل الایمان — ← الکف عمن قال لا اله الا الله لا تکفره بذنب ولا تخرجه من الاسلام بعمل والجهاد ماض منذ بعثنی الله الی ان یقاتل آخر هذه الامة الدجال لا یبطله جور جائر ولا عدل عادل والایمان بالاقدار رواه ابو داؤد .

پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند : سه چیز از اصل ایمان است .

۱ - عدم تعرض به کسیکه میگوید : لا اله الا الله کافر مگو او را به گناه کردن و خارج مکن او را از اسلام بیک عمل (به عمل بدی) .

۲ - و جهاد جاری است از وقتیکه مبعوث گردانیده مرا خدای ج تا آنزمانیکه جنگ می کند آخر این امت با دجال و باطل نمیکند آنرا ظلم ظالم و عدل عدالت کننده .

۳ - و ایمان است به تقدیرات خدای ج .

کتب آسمانی

ما ایمان داریم که همه کتاب ها و صحیفه هائیکه از طرف خداوند ج. توسط جبرئیل امین «ع» به پیغمبران نازل گردیده حق اند.

تمام کتب منزل آسمانی یکصد و چهار اند که از آنجمله چهار کتاب مشهور و صد صحیفه اند.

چهار کتاب مشهور:

۱ - تورات.

۲ - زبور.

۳ - انجیل. ۴ - قرآن عظیم الشان.

تورات به حضرت موسیٰ علیه السّلام ، زبور بحضرت داؤد علیه السّلام
انجیل بحضرت عیسیٰ علیه السّلام، قرآن عظیم الشان بحضرت محمّد صلی الله
علیه وسلم نازل شده اند.

و صُحُف[1] صحیفه قرار ذیل به انبیاء علیهم السّلام نازل گردیده اند :
ده صحیفه به حضرت آدم علیه السّلام ، و پنجاه صحیفه بحضرت شیث
علیه السّلام و سی صحیفه به حضرت ادریس علیه السّلام و ده صحیفه بر حضرت
ابراهیم علیه السّلام نازل شده اند.

ایمان و باور داشتن به تمام کتابها و صحیفه هائیکه از طرف الله ج نازل شده
بدون کدام فرق ضروری و لازمی است و قرآنکریم ناسخ جمله کتابها
و صحیفه های سابقه است و عمل تنها به قرآنکریم کرده میشود .

---

(۱) نبراس صفحه ۷۹ - ۸۰

قرآنکریم

قرآنکریم[1] در اصطلاح شرع شریف کلام خداوند «ج» است که از طرف الله «ج» بواسطه حضرت جبرئیل علیه السلام بر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم نازل گردیده در مصاحف نوشته کرده شده و در دلها حفظ گردیده و بطریقهٔ تواتر بدون شک و شبهه بما رسیده .

کلام یکی از صفات ذاتی خداوند «ج» است و قرآن مجید کلام

---

(۱) قرآن در لغت : قرآن در لغت به دو معنی آمده است اول بمعنی ضم و جمع در اینصورت قرآن (مصدر مبنی للفاعل) بمعنای جمع کنندهٔ سورت ها است . دوم بمعنای قرائت در اینصورت قرآن (مصدر مبنی للمفعول) بمعنای خوانده شده و تلاوت کرده شده میباشد .

نفسی خدا «ج» وقایم بذات او تعالی است. ولی کلمه هائیکه ما
آنرا بزبان می آوریم ونقش هائیکه بروی صفحه کاغذ نوشته ویا
چاپ میشود ویا کلمه هائیکه از قرآن مجید بگوش خود می شنویم
مخلوق بوده وکلام نفسی خداوند «ج» نیستند زیراکه کلام نفسی
صفت خداوند «ج» بوده وقدیم است .

ترتیب نزول قرآنکریم

قرآن کریم ابتداء از لوح محفوظ بآسمان دنیا درشب قدر مجموعاً نازل گردیده
واز آسمان دنیا نظر بضرورت قطعه قطعه درظرف ۲۳ سال
بواسطهٔ جبرئیل علیه السلام بر محمد صلی الله علیه وسلم
نازل شده است . آیت هائیکه قبل از هجرت نازل گردیده آنرا آیت های مکی
وآیت هائیکه بعد از هجرت نازل شده آنرا آیت های مدنی میگویند .

تمرین

۱ - کتابها و صحیفه های آسمانی توسط کدام ملک بر پیغمبران نازل گردیده ؟

۲ - تعداد تمام کتابها و صحیفه های آسمانی چند است ؟

۳ - چهار کتاب مشهور آسمانی را نام بگیرید.

۴ - قرآن کریم را تعریف کنید.

مشرک، ملحد، منافق، زندیق، مرتد، دهری

مشرک :

مشرک آنرا گویند که با خدا ج، چیزی را در ذات یا صفات او شریک نماید .

ملحد :

ملحد آنرا گویند که از دین حق به کفر میلان نموده باشد .

منافق :

منافق آنرا گویند که به زبان اظهار اسلام را نماید و بدل کافر باشد .

زندیق [1]

زندیق آنرا گویند که منکر وجود یا حکمت ذات واجب الوجود بوده یا برای او تعالی شریک ثابت کند و یا به بقای دهر قائل. اموال و ناموس مردم را شریک پنداشته به آن معتقد باشد ولی این عقیدهٔ خویش را پنهان نموده در ظاهر مدعی اسلام و در جامهٔ مسلمین خود را مخفی مینماید.

---

(۱) اگر مسلمان خدا ناخواسته زندیق گردد اگر خود باختیار خویش مسلمان گردد بدون اینکه مسلمانان او را بگیرند ایمان بیاورد در اینصورت توبه اش مقبول و مؤمن است احکام اسلام بالایش جاری میگردد در صورتیکه خود مسلمان نشده باشد مسلمانان او را بگیرند و بعد از دستگیر شدن توبه نماید توبهٔ چنین شخص قبول نیست باید کشته شود. ناگفته نماند توبهٔ این چنین اشخاص در امور دنیوی قابل قبول نیست اما در امور اخروی نزد خداوند تعالی این توبه هم مقبول است در صورتیکه از اخلاص قلب باشد.

مرتد :

مرتد کسی است که قبلاً مسلمان بوده از دین اسلام برگردد .

دهری :

دهری کسی را گویند که به حقانیت اسلام قائل نبوده وجود اشیاء را به علل مادی نسبت داده و از وجود صانع مختار منکر باشد .

تمرین

۱ - مشرک را تعریف نمائید ؟

۲ - ملحد کدام شخص را میگویند ؟

۳ - مرتد را تعریف نمائید ؟

۴ - زندیق را تعریف نمائید ؟

فقه

برای

صنف پنجم

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ
قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَٰذَا غَافِلِينَ
سورهٔ اعراف آیه ۱۷۲

ایمان فطری و ایمان کسبی

وقتیکه خداوند «ج» آدم «ع» را آفرید و ذریهٔ وی را از پشتش مانند مورچه های کوچک خلق نمود به ایشان خطاب فرمود : آیا من پروردگار شما نیستم همه بیک آواز گفتند : آری بیشک تو پروردگار ما هستی که این اقرار را (عهد میثاق) میگویند .

---

(۱) وچون گرفت پروردگار تو از فرزندان آدم «ع» از پشت های ایشان اولاد ایشان را و گواه گردانید ایشان را بر نفسهای شان (گفت) آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری هستی گواهشدیم تا نگوئید روز قیامت بدرستی که ما بودیم از این بیخبران .

بسم الله الرحمن الرحيم

فہرست مضامین فقہ

شمارہ	عنوان	صفحہ
۱	مقدمہ	۰
۲	نماز قضائی	۱
۳	تمرین	۳
۴	نماز خوف	۴
۵	تمرین	۶
۶	نماز کسوف وخسوف	۷
۷	تمرین	۸
۸	نماز استسقاء	۹
۹	تمرین	۱۱
۱۰	نماز تہجد	۱۲
۱۱	تمرین	۱۳
۱۲	نماز استخارہ	۱۴
۱۳	تمرین	۱۵
۱۴	نماز تسبیح	۱۶
۱۵	تمرین	۱۸

شماره	عنوان	صفحه
۱۶	تعریف روزه وحکم آن	۱۹
۱۷	فضیلت های روزه	۱۹
۱۸	دیدن ماه رمضان	۲۰
۱۹	معذرتهای شرعی افطار روزه	۲۲
۲۰	شکننده های روزه	۲۵
۲۱	قضای روزه	۲۸
۲۲	کفارهٔ روزه	۳۰
۲۳	تمرین	۳۱
۲۴	عتکاف	۳۲
۲۵	شرایط صحت اعتکاف	۳۳
۲۶	تمرین	۳۵
۲۷	شهید	۳۶
۲۸	تمرین	۳۹

نماز قضائی

قضاء : قضا عبارت است از تسلیم نمودن مثل شی
لازم شده به مستحقش مثلاً خواندن نماز بعد از وقتش.

قضائی نماز فرض ، فرض ، از واجب ، واجب و از بعضی
سنت ها سنت است
ترک نمودن فرض و یا واجب بدون کدام عذر شرعی گناه بزرگ است
اگرچه قضائی آن آورده شود و حکم سنت مؤکده قریب واجب است
اگر به فراموشی و یا خواب از شخص مکلف نماز
قضا شود بعد از بیداری و به یاد آمدن بدون درنگ قضائی
آنرا بجا آورد معطل نمودن قضائی بدون معذرت شرعی
گناه دارد .

اگر سنت نماز صبح با فرض آن یکجا قضا شده باشد قضائی
هر دو قبل از زوال خوانده می‌شود و بعد از آن سنت صبح قضائی
ندارد تنها فرض خوانده می‌شود و اگر سنت صبح بدون فرض قضا
شده باشد خواندن آن قبل از طلوع آفتاب مکروه و بعد
از آن مکروه نیست .

نیت نماز قضاء : نیت کرده‌ام که بجا آرم . قضائی نماز صبح
یا قضائی نماز عصر فلان روز را بهر گاه از کسی نمازهای
بسیار قضا شده باشد برای او اینچنین نیت کردن که : من قضائی

ترتیب در بین نماز قضائی وقتی و همچنان ترتیب بین نمازهای قضائی لازم است ، در حالات ذیل ترتیب ساقط میگردد : ۱- به تنگی وقت
۲- فراموشی ۳- رسیدن تعداد نمازهای فوتی بشش ، پس اگر ادا کند فرض نماز را یاد دارنده نماز
فوتی اگرچه فوتی وتر باشد فرض او فاسد میشود به فساد موقوفه یعنی به برآمدن وقت نماز
پنجم از نمازهایی که خوانده باشد پس از نماز فوتی که آنرا بیاد دارد صحیح میشود تمام نمازهای او .

نماز صبح یا قضائی نماز عصر را میخوانم درست نیست .
مگر برای آسانی به این قسم نیت کرده می تواند که : نیت کرده ام که بجا آرم نماز اول عصر یا نماز آخر عصر را که قضاء آن برمن لازم است .

تمرین

۱ - قضاء چه را گویند ؟
۲ - قضائی نماز فرض چه حکم دارد ؟
۳ - ترک نمودن فرض ویاواجب بدون کدام عذر شرعی چه حکم دارد؟
۴ - نیت نماز قضاء چطور کرده می شود ؟
۵ - اگر از کسی نماز های بسیار قضا شده باشد چه قسم نیت کند ؟

نماز خوف

خوف به معنی ترسیدن است و نماز خوف عبارت است از نمازیکه در وقت سختی ترس از دشمن یا از درنده وغیره بطریق خاص ادا کرده میشود .

ترتیب نماز خوف : یکتعداد از مجاهدین در مقابل دشمن ایستاده شوند و تعداد دیگر با امام یک رکعت نماز را ادا نمایند در صورتیکه نماز دو رکعتی باشد و دو رکعت را ادا کنند درصورتیکه نماز چهار رکعتی یا نماز شام باشد این مجاهدین در مقابل دشمن پهره نمایند و آن تعدادیکه در پهره داری بودند به عقب امام اقتدا نمایند و امام باقیماندهٔ نماز را بایشان ادا کند

در آخر امام تنها سلام دهد و این تعداد به پهرهٔ خویش دوباره برگردند و جماعت اولی پهره را ترک گفته باقیماندهٔ نماز خویش را ازنیکه لاحق اند به تنهائی بدون قرائت ادا نمایند و بعد در مقابل

دشمن پیره نمایند جماعت دوم باقیماندهٔ نماز خویش را به تنهائی با قرائت ادا کنند زیرا که ایشان مسبوق اند واگر ترس وبیم از دشمن زیاد شد در این صورت نماز را در حالت سوار بودن به هرطرفیکه قدرت پیدا کنند به اشاره ادا نمایند .

نوت :

۱ - نماز خوف بدون حضور دشمن روا نیست .

۲ - حمل سلاح در وقت ادا، نماز خوف مستحب است .

۳ - اگر در داخل نماز با دشمن جنگ نمایند نماز ایشان فاسد میشود .

تمرین

۱ - نماز خوف عبارت از کدام نماز است ؟

۲ - ترتیب نماز خوف چطور است ؟

۳ - آیا نماز خوف بدون حضور دشمن رواست ؟

۴ - آیا حمل سلاح در وقت اداء نماز خوف جواز دارد ؟

۵ - اگر در نماز با دشمن جنگ نمایند حکم آن نماز چیست ؟

نماز کسوف و خسوف

کسوف تاریک شدن آفتاب و خسوف تاریک شدن مهتاب را میگویند .

هرگاه تمام یا قسمتی از آفتاب تاریک شود و در روشنی آن نقصان آشکار رخ دهد سنت است که امام جمعه به مردم دو رکعت نماز را بجماعت بدون اذان ، اقامت ، جهر و خطبه در اوقات غیر مکروهه ادا نماید و دراز کردن قرائت ، رکوع ، سجده و ادا نمودن آن در مسجد جامع یا عید گاه مستحب است پس از نماز امام دعاء نماید و مردم آمین گویند تا که آفتاب روشن گردد . اگر امام جمعه حاضر نبود نماز را تنهائی ادا نمایند .

اگر تمام یا قسمتی از ماه خسوف (ماه گرفتگی) شود و در روشنی آن

بنابراین هر انسانیکه تولد می شود دارای همین ایمان بوده و آنرا ایمان فطری می نامند چنانچه پیغمبر «ص» فرموده اند[1]: هر مولود تولد میشود بر فطرت (ایمان فطری) پس پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی و یا مجوسی می سازند .

ایمان کسبی : ایمان کسبی ایمانی است که کسب بنده تعلق دارد . پس کسیکه به اختیار خود بعد از بلوغ ایمان آورد به تحقیق ثابت ماند بر ایمان فطری و اگر کسی کافر شد در حقیقت ایمان فطری را به اختیار خود به کفر بدل کرده است .

---

(۱) عن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم : ما من مولود الا یولد علی الفطرة فابواه یهودانه او ینصرانه او یمجسانه متفق علیه مشکوٰة . ط۲۱

نقصان آشکار رخ دهد سنت است که مردم بدون جماعت در هر جائیکه قدرت داشته باشند دو دو رکعت نماز بگذارند .

مانند نماز تاریکی سخت روز و وزیدن باد شدید .

تمرین

۱ - کسوف وخسوف را تعریف نمائید .

۲ - حکم نماز کسوف را بیان دارید .

۳ - نماز خسوف کدام نماز را گویند ؟

۴ - طریقهٔ اداء نماز خسوف را واضح نمائید .

نماز استسقاء

استسقاء در لغت بمعنی طلب کردن آب از غیر و در شریعت طلب کردن باران از الله جل جلاله بطریق خاص — (نماز خواندن و استغفار وغیره) است .

هرگاه در یک جای خشک سالی و قحطی رو دهد مستحب است که مسلمانان آن جای تا سه روز برای استسقاء در لباسهای کهنه و پیوندی با خشوع ، تواضع و تقدیم صدقات بصحرا بیایند و نیز مستحب است که جهت جلب رحمت خدا جل جلاله سال خوردگان ، اطفال و چارپایان را با خود به صحرا ببرند .

ترتیب نماز استسقاء : بنزد امام اعظم رحمة الله علیه اینست که امام و مردم بدون جماعت دو دو رکعت نماز ادا نمایند و پس از نماز امام رو به قبله ایستاده و مردم رو بروی قبله نشسته باشند و تماماً

دستهای خویش را به دعاء[1] بلند نموده و با دعاء امام مردم آمین گویند .

نوت :

۱ - اهل ذمه را با خود از رفتن منع نمایند .

۲ - در مکهٔ مکرمه اجتماع مسلمانان جهت استسقاء در مسجد حرام و در بیت المقدس در مسجد اقصیٰ و در مدینه منوره در مسجد نبوی صلی الله علیه وسلم کرده شود و چار پایان بدروازه های مساجد مذکور ایستاده کرده شوند .

---

(۱) دعاء استسقاء : اللّٰهم اسقنا غیثاً مغیثاً مریئاً مریعاً نافعاً غیر ضارٍ عاجلاً غیر اٰجلٍ

وهمچنین : اللّٰهم اَسْقِ عبادَك وبهائمك وانشر رحمتك وَاَحْیِ بلدك المیّت

تمرین

۱ - استسقاء در لغت و شریعت عبارت از چه است ؟

۲ - نماز استسقاء در مذهب امام اعظم (رح) بکدام ترتیب ادا کرده می شود ؟

۳ - آیا اجتماع مسلمانان جهت استسقاء در مکه مکرمه جای معین دارد ؟

نماز تهجّد

تهجد در لغت به معنی شبخیزی و در شرع شریف نمازی است که بعد از نماز خفتن و پس از بیداری از خواب تا قبل از دمیدن صبح صادق ادا کرده میشود .

نماز تهجد مستحب است . حداقل آن دو رکعت و اکثر آن هشت رکعت است و بعضی علماء گفته اند که حداقل آن هشت رکعت میباشد و اکثر آن اندازه ندارد .

وقت نماز تهجّد : پس از نماز خفتن و بعد از بیداری از خواب تا قبل از دمیدن صبح صادق است .

نماز تهجد خاص بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرض بوده و پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند[1] : بزرگان امت من برداران قرآن و یاران شب اند یعنی کسانیکه قرآن کریم را حفظ کرده اند و آنرا تلاوت

---

۱ عن ابن عباس رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم : اشراف امتی حملة القران واصحاب اللیل

میخوانند و نماز تهجد را ادا میکنند از جملهٔ بزرگان امت من شمرده می شوند .

تمرین

۱ - معنی لغوی و شرعی تهجد را تشریح نمائید .
۲ - حکم نماز تهجد چیست ؟
۳ - وقت نماز تهجد کدام قسمت شب است ؟
۴ - حداقل و حداکثر نماز تهجد را بگوئید .

نماز استخاره

استخاره در لغت بمعنی طلب خیر و نیکی است .

و در شریعت دعائی[1] است که بعد از دو رکعت نماز نفل خوانده میشود .

استخاره برای کاری میباشد که شخص اراده آنرا در زمان آینده داشته باشد . تا خداوند ج، خیر یا شر بودن آنکار را برایش القاء نماید .

---

(۱) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَخِیْرُکَ بِعِلْمِکَ وَاَسْتَقْدِرُکَ بِقُدْرَتِکَ وَاَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ الْعَظِیْمِ فَاِنَّکَ تَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوْبِ اَللّٰهُمَّ اِنْ کُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا الْاَمْرَ خَیْرٌ لِّیْ فِیْ دِیْنِیْ وَمَعَاشِیْ وَعَاقِبَةِ اَمْرِیْ اَوْ عَاجِلِ اَمْرِیْ وَاٰجِلِهٖ فَاقْدُرْهُ لِیْ وَیَسِّرْهُ لِیْ ثُمَّ بَارِکْ لِیْ فِیْهِ اَللّٰهُمَّ اِنْ کُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا الْاَمْرَ شَرٌّ لِّیْ فِیْ دِیْنِیْ وَمَعَاشِیْ وَعَاقِبَةِ اَمْرِیْ اَوْ فِیْ عَاجِلِ اَمْرِیْ وَاٰجِلِهٖ فَاصْرِفْهُ عَنِّیْ وَاصْرِفْنِیْ عَنْهُ وَاقْدُرْ لِیَ الْخَیْرَ ثُمَّ اَرْضِنِیْ بِهٖ .

حَیْثُ کَانَ

طریقهٔ نماز استخاره :

هرگاه شخص مؤمن ارادهٔ کاری را داشته باشد و در آن متردد باشد طریقه مسنون است که بعد از ادای دو رکعت نفل دعای استخاره را قرائت نماید و زمانیکه به لفظ (هٰذَ الْاَمْرَ) می رسد مقصد خویش را عوض لفظ اَلْاَمْرَ بگوید یا در دل تصور نماید و مستحب است که دعاء استخاره را به حمد و درود آغاز و ختم نماید و استخاره در کارهای مباح است نه در کارهای گناه و در عبادات بعضی اوقات جهت تعین وقت استخاره کرده میشود .

تمرین

۱ - استخاره در لغت و شریعت عبارت از چه است ؟

۲ - استخاره برای چه نوع کار کرده میشود ؟

۳ - طریقهٔ نماز استخاره را بگوئید .

نماز تسبیح

تسبیح در لغت خدا را بپاکی یاد کردن است .

و نماز تسبیح عبارت از چهار رکعت نماز نفلی است که در آن

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ

سه صد مرتبه به دو طریق[1] خوانده میشود .

پاورقی (۱) **طریق اول نماز تسبیح :** چهار رکعت نماز را نیت نموده و بعد از ثنا کلمات مذکور را پانزده مرتبه بگوید و نیز بعد از قرائت پیش از رکوع ده مرتبه همچنان در رکوع ، قومه ، سجدهٔ اول ، جلسه ، سجدهٔ دوم ده ده مرتبه کلمات مذکور را بگوید چون در سه رکعت بعدی ثنا و اعوذ بالله نیست پس در شروع هر یک رکعت کلمات مذکور را پانزده مرتبه و در ختم قرائت ، رکوع ، قومه ، سجدهٔ اول جلسه و سجدهٔ دوم ده ده مرتبه مثل رکعت اول خوانده شود که بدین ترتیب در هر رکعت (۷۵) مرتبه و در چهار رکعت سیصد مرتبه میشود

نوت : بنزد بعضی علماء رکعت سوم نیز مانند رکعت اول خوانده می شود ←

← **طریق دوم نماز تسبیح :** در رکعت اول پس از قرائت کلمات مذکور را پانزده مرتبه بخواند و پس از آن در رکوع ، قومه ، سجدهٔ اول ، جلسه و سجدهٔ دوم و پس از سجدهٔ دوم در حالت نشسته ده ده مرتبه آنرا بخواند همچنان در سه رکعت بعدی.

قرار فوق مجموع خواندن کلمات مذکور در هر رکعت ۷۵ مرتبه می شود

این هر دو طریق که قبلاً بیان کرده شد در کتاب های احادیث ذکر شده است مگر بهتر طریق اول است . و بعضی علما میگویند که بهر دو ترتیب در اوقات جداگانه خوانده شود .

و در حدیث شریف فضیلت صلوٰة تسبیح بیان کرده شده است . نبی علیه السلام این نماز را به عم خود حضرت عباس (رض) تعلیم نموده و فرموده بودند که خداوج بسبب این نماز گناهان اول ، آخر ، ظاهر ، باطن ، جدید ، قدیم ، خطا عمد ، صغیره و کبیره ، پنهان ، و آشکار ترا مغفرت مینماید .

قالت الاعراب آمنا قل لم تؤمنوا ولكن قولوا اسلمنا

اعراب گفتند ایمان آوردیم بگو ایمان حقیقت نیاورده اید ولیکن بگویید منقاد شده ایم

سورهٔ حجرات آیه ۱۴

فرق بین ایمان و اسلام

فرق بین ایمان و اسلام از طریق لغت است نه از لحاظ تحقیق

زیراکه ایمان لغتاً : عبارت از تصدیق[1] است .

و اسلام لغتاً : عبارت از تسلیم[2] است .

---

(۱) محل آن قلب و ترجمانی آنرا زبان میکند .

(۲) (محل آن قلب ، زبان و اندام ها) که به هریک از تصدیق قلب ، اقرار بزبان و عمل اندام ها لغتاً اسلام صادق می شود .

تمرین

۱ ـ معنی لغوی تسبیح را بگوئید.

۲ ـ نماز تسبیح چند رکعت است؟

۳ ـ در نماز تسبیح کدام کلمات سیصد مرتبه خوانده میشود؟

تعریف روزه و حکم آن

روزه بنای سوم اسلام است که فرضیت آن به قرآنکریم ثابت شده است .

تعریف روزه : روزه عبارت است از ترک خوردن نوشیدن وجماع به نیت روزه از صبح صادق تا غروب آفتاب .

حکم روزه : بگرفتن روزه ثواب ورضای خداوند ج حاصل از ذمهٔ مکلف ساقط میشود وبترک آن عذاب است ومنکر آن کافر میگردد .

فضیلتهای روزه

رسول الله صلی الله علیه وسلم درحدیث شریف فرموده اند :
بوی دهان روزه دار بنزد خدا ج، از خوشبوئی مشک خوشبو تر است .

همچنین الله ج، درحدیث قدسی فرموده است : روزه خاص از برای من است وخودم اجر اورا میدهم .

در حدیث دیگر پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند : هرکه از روی عقیده وطلب ثواب روزهٔ ماه مبارک رمضان را ادا نماید گناهان گذشتهٔ وی مغفرت کرده می شود همچنین پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند : برای روزه دار دو خوشی است یکی در وقت افطار و دیگری در وقت ملاقات با پروردگارش .

دیدن ماه رمضان

شب سی شعبان در وقت غروب آفتاب طلب دیدن ماه رمضان واجب کفائی است .

اگر ماه رمضان دیده شود روزه گیرند و در غیر آن روزه نیست و اگر آسمان ابر یا غبار آلود باشد . گواهی یک شخص عادل

خواه مرد با یا زن کافی است و در حالت صاف بودن آسمان گواهی جماعت[1] عظیم ضروری است و در عیدین در صورتیکه آسمان صاف نباشد . گواهی دو مرد یا یک مرد و دو زن که عادل باشند شرط است . و اگر آسمان صاف باشد مانند رمضان گواهی جماعت عظیم ضروری است .

نوت : در صورتیکه شب سی شعبان به آسمان ابر یا غبار باشد با وجود سعی در دیدن ماه ، ماه دیده نشد مستحب است که فردای آن تا قبل از زوال امساک نماید . اگر کدام اطلاع معتبر شرعی رسید بالفور نیت روزه نموده و در غیر آن روز گرفتن لازم نیست و اگر کسی به دیدن ماه رمضان گواهی داد و گواهیش را قاضی قبول نکرد روزه داشتن تنها بروی واجب است

---

(۱) بعضی علماء آنرا پنجاه مرد گفته اند .

و در صورت افطار بروی قضائی است نه کفاره .

معذرتهای شرعی افطار روزه

۱ - ترس زیادت مرض : اگر مریض بگمان غالب خویش از روی تجربه یا به گفته طبیب حاذق مسلمان که فسق آن آشکار نباشد از زیادت مرض خویش میترسد برای او جائز است که روزه را افطار کند و در وقت صحت قضائی آنرا بگیرد .

۲ - خوف نقصان حمل (طفلیکه در شکم باشد) : اگر زن حامله می ترسید که روزه گرفتنش به طفلیکه در شکم دارد ضرر می رساند روزه را افطار نموده و در آینده قضائی آنرا بگیرد .

۳ - اگر شیر دهنده بر خود یا طفل شیر خوار خویش از روزه گرفتن احساس ضرر میکرد روزه را افطار

نماید و باز قضائی آنرا بگیرد .

۴ - سفر : اگر کسی مسافر بود بسفر شرعی درصورتیکه نیت همان روز را نکرده باشد جائز است که روزه را افطار نماید و قضائی آنرا بیاورد . لیکن اگر برای مسافر روزه گرفتن دشوار نباشد بهتر است که روزه بگیرد .

۵ - شیخ فانی بودن : شخصی کلان سالیکه توان روزه را ندارد و در آینده نیز امید قدرت آنرا نداشته باشد و بیماریکه امید صحت را نداشته باشد رواست که افطار نماید و در بدل هر روز آن فدیه (خورد کم پنجارک گندم یا نیم پاو کم نیم سیر جو یا قیمت هریکی از آنها) بدهد .

نوت : اگر شیخ فانی یا مریض در آینده به روزه گرفتن قادر شد قضائی بیاورند و اگر قبلاً فدیه داده باشند فدیه مذکور نفل میگردد .

۶ - گرسنگی که در آن ترس هلاکت باشد : اگر روزه دار آنچنان گرسنه شد که ترس مرگ او بود رواست روزه را افطار و باز قضائی بیاورد .

۷ - تشنگی که در آن ترس هلاکت باشد : اگر کسی بحدی تشنه شد که از آن ترس مرگ باشد رواست روزه را افطار و آنرا قضائی بیاورد

۸ - اکراه (بر کسی کاری را زور کردن) : اگر کسی با فطار روزه مجبور کرده شود روا است روزه را افطار کند و قضائی آنرا بیاورد .

۹ - جهاد : مجاهد یکه در مقابل دشمن قرار دارد و علم داشته باشد که جنگ با دشمن اسلام واقع میشود پس بسبب خوف ضعفش در مقابل دشمن رواست که روزه را افطار نماید و باز قضائی آنرا بیاورد

شکننده های روزه

دو قسم اند :

الف - آنکه تنها قضائی روزه لازم می شود .

ب - آنست که قضائی و کفاره هر دو لازم می شود .

الف : شکننده هائیکه موجب قضائی اند قرار ذیل اند :

۱ - شکستاندن روزه در صورت اکراه .

۲ - تیر شدن آب در وقت مضمضه بدون قصد در حالیکه روزه را بیاد دارد .

۳ - قصداً اعاده (فرو بردن) قی .

۴ - قصداً به پری دهن قی نمودن .

۵ - خوردن سنگریزه ، و یا چیزیکه ماهیت غذائی نداشته باشد .

۶ - فرو بردن آن چیزی که در دندانها باشد بعد از کشیدنش بزبان اگر برابر دانهٔ نخود یا زیاده از آن باشد.

۷ - چکانیدن روغن و یا تیل در گوش که بدماغ برسد.

۸ - فرو بردن خون دهن که بر آب دهن غالب باشد.

۹ - قصداً خوردن و نوشیدن در آنصورتیکه بفراموشی چیزی را خورده باشد به گمان اینکه روزهٔ وی افطار شده است

۱۰ - سحری نمودن به گمان اینکه هنوز شب است مگر در حقیقت صبح دمیده باشد.

۱۱ - قصداً خوردن روزهٔ غیر رمضان.

۱۲ - افطار نمودن در روزهای ابر و غبار به گمان اینکه آفتاب غروب نموده است مگر بعداً ثابت شد که روز باقی است.

ب : شکننده هائیکه قضا وکفارت را لازم مینماید قرار ذیل اند :

۱ - بقصد خوردن و نوشیدن غذا و دوا در روز رمضان مبارک که نیت روزه را کرده باشد . قضا وکفاره هر دو را لازم مینماید (درصورتیکه عذر معقول نداشته باشد).

۲ - در محل مشتهی قصداً جماع کردن بر فاعل و مفعول قضا وکفارهٔ هردو را لازم مینماید .

چنانچه به منافق ظاهراً مسلمان گفته میشود زیرا که در ظاهر خود را مسلمان معرفی می کند مگر در باطن مسلمان نیست زیرا بدل تصدیق ندارد .

و در حقیقت ایمان بدون اسلام و اسلام بدون ایمان موجود نمیشود زیرا که ایمان عبارت است از اقرار و تصدیق به الوهیت خدا ج .

و اسلام عبارت است از تسلیم و گردن نهادن به اوامر الله جل جلاله .

چون اقرار و تصدیق بدون تسلیم و تسلیم بدون تصدیق و اقرار موجود نمیشود پس معلوم گردید که در میان تحقق ایمان و اسلام تلازم است .

قضائی روزه

بر شخصیکه قضائی روزه لازم شد بدون ایام[1] ممنوعه هر وقتیکه قضائی آنرا بیاورد جائز است . مگر بهتر آنست که بدون عذر تأخیر در قضا نه نماید .

اگر بر ذمهٔ کسی قضاء روزهٔ رمضان سابق باشد و رمضان دیگر رسید اولاً روزهٔ وقتی را اداء نماید و بعد از گذشتن آن قضائی[2] را بگیرد و مسافر از این حکم مستثنی است .

اگر کسی روزهٔ نفلی را شروع کرد و آنرا فاسد نمود قضائی آن واجب است .

---

(۱) روزهای عید فطر و عید اضحی و سه روز ایام تشریق (یازدهم ، دوازدهم و سیزدهم ذوالحجه)

(۲) درین روزه های قضائی تتابع (پی در پی گرفتن) شرط نیست .

اگر در روز رمضان مبارک صغیر، بالغ و کافر مسلمان شد در باقی حصهٔ آن روز امساک نمایند و قضائی آن روز بر آنها لازم نیست .

اگر قضائی روزه بر ذمهٔ کسی باقی بود و فوت شد در صورت وصیت ادای فدیهٔ آن از مال وی بر ورثه لازم است و در صورت عدم وصیت اگر ولی از مال خود تبرّعاً فدیه وی را ادا نماید جائز است و امید میشود که خداوند ج آنرا قبول نماید .

کفارهٔ روزه

کفارهٔ روزه به ترتیب ذیل ادا کرده میشود :

اول : آزاد نمودن غلام یا کنیز .

دوم : در صورت نبودن غلام و کنیز دو ماه پی در پی روزه گرفتن .

سوم : اگر طاقت روزه گرفتن دو ماه را نیز نداشته باشد شصت مسکین را دو وقت شکم سیر طعام دادن و یا بهر یک از شصت مسکین فدیهٔ[1] کامل یک یک روزه یا قیمت آنرا پرداختن .

---

(۱) فدیهٔ یک روزه با فدیهٔ صدقهٔ فطر در مقدار فرق ندارد .

تمرین

۱ - روزه را تعریف نمائید .

۲ - حکم روزه چیست ؟

۳ - فضیلت های روزه را بگوئید .

۴ - اگر آسمان صاف باشد برای ثبوت دیدن ماه رمضان مبارک گواهی چند نفر ضروری است ؟

۵ - برای مجاهد کدام وقت افطار روزهٔ رمضان جائز است ؟

۶ - شکننده های روزه چند قسم اند ؟ هریک آنها را تعریف نمائید ؟

۷ - اگر بر ذمهٔ کسی قضائی روزهٔ رمضان سابق باشد و رمضان دیگر رسید چه کند ؟

۸ - قضا آوردن روزه در کدام ایام جائز نیست ؟

۹ - ترتیب کفارهٔ روزه را شرح نمائید .

اعتکاف

اعتکاف در لغت بمعنی حبس و درنگ کردن است و در شریعت عبارت است از درنگ کردن به نیت اعتکاف با روزه داشتن در مسجدی که در آن پنجوقت نماز بجماعت خوانده میشود . و اعتکاف سه قسم است : واجب سنت ، مستحب .

۱ - اعتکاف واجب : آن اعتکاف را گویند که شخص آنرا برنفس خویش نذر نماید مثلاً شخصی نذر نمود که من خاص برای خدا (ج) سه روز اعتکاف می نشینم یا بگوید اگر فلان حاجت من روا گردد من برای خدا(ج) دو روز اعتکاف مینمایم که این اعتکاف را اعتکاف نذری هم میگویند .

۲ - اعتکاف سنت : آنست که در ده روز آخر رمضان

مبارک معمول میباشد (که از وقت غروب آفتاب روز بیستم ماه مبارک رمضان شروع و بمجرد دیدن ماه عید فطر تمام میشود) و این اعتکاف سنت مؤکد کفائی است (به کردن بعضی اهل قریه از ذمهٔ دیگران ساقط میشود).

۳ - اعتکاف مستحب : بجز اعتکاف واجب وسنت دیگر تمام اعتکافها مستحب است

شرایط صحت اعتکاف :

۱ - اسلام .

۲ - پاکی زن از حیض و نفاس .

۳ - عقل .

۴ - نیت

۵ - مسجد برای مردان .

۶ - روزه .

نوت :

زنان در خانه های خویش در جائیکه برای نماز انتخاب نموده اند اعتکاف نمایند و پاکی از جنابت شرط شروع اعتکاف است نه دوام آن زیرا که اگر در اعتکاف محتلم میشوند غسل نموده و اعتکاف را دوام میدهند مگر حیض ، نفاس و جماع اعتکاف را فاسد مینماید .

تمرین

۱ - اعتکاف را تعریف نمائید .

۲ - اعتکاف چند قسم است هر یک را نام بگیرید ؟

۳ - شرایط صحت اعتکاف را شرح دهید .

شهید

ترجمه :

ومرده گمان مکن کسانی راکه کشته شدند در راه خدا، بلکه زنده اند

به نزد پروردگار خویش روزی داده میشوند

تعریف شهید : شهید در لغت بمعنی شاهد (۱) وحاضر است

و در شریعت عبارت است از کسیکه :

الف : کشته باشد او را کافران

---

(۱) جهت حضور او به نزد پروردگار خویش و یا شهید بمعنی مشهود است از نیکه برایش شهادت به جنت داده شده است و یا ملائک در وقت مرگش برای عزت و اکرام او حاضر می باشند .

ب : یافته شده باشد در میدان جنگ و بر بدن وی نشانهٔ قتل (زخم، برآمدن خون از جائیکه عادتاً از آنجا خون خارج نشود) باشد.

ج : قتل نموده باشد او را مسلمان ظلماً و لازم نشده باشد به قتل وی در اول وقت دیة.

حکم شهید : کفن کرده شود در لباس و خون خویش و آنچه در بدن او از جنس کفن نباشد مثل سلاح، موزه وغیره کشیده شود و زیاد کرده شود در کفن او اگر از اندازهٔ سنت کم باشد و کم کرده شود اگر زیاد باشد نه غسل داده نشود و نماز جنازه بروی خوانده شود.

غسل داده شود اگر در حالات ذیل کشته شده باشد :

جنابت، حیض، نفاس، صغارت، دیوانگی، زنده نقل داده شده باشد از میدان جنگ، وصیت کرده باشد

وهیچگاه شده نمیتوانند که یک شخص مسلمان باشد و مؤمن نباشد
یا مؤمن باشد و مسلمان نباشد بلکه شخص مسلمان مؤمن است و شخص
مؤمن مسلمان است .

چیزی را خورده یا نوشیده باشد ، تداوی کرده باشد ،
بگذرد بروی وقت یک نماز و هوشیار باشد ،
خرید و یا فروش کرده باشد ، زیاد سخن گفته باشد (۱) .

---

(۱) و تا خیر مذکور در جریان جنگ واقع نشده باشد اگر در جریان جنگ واقع شده باشد غسل داده نمیشود . و اگر در شهر مقتول یافته شد و معلوم نباشد که ظلماً به آزار جار کشته شده یا به حدود قصاص در بین صورت برای او غسل و نماز جنازه هر دو است

۱۳۱۶

طبع چهارم

سال طبع سنبله ۱۳۶۸ تعداد طبع (۱۰۰۰۰)

مدیریت نصاب مرکز تعلیمی

تمرین

۱ - شهید را تعریف نمائید .

۲ - حکم شهید را شرح نمائید .

۳ - به شهید در کدام حالات غسل داده می شود ؟

تمرین

۱ - معنای لغوی و اصطلاحی ایمان را بیان کنید.

۲ - اگر کسی بزبان اقرار نماید و بدل تصدیق نکند چه برایش گفته می شود ؟

۳ - ایمان فطری کدام ایمان را میگویند ؟

٤ - ایمان کسبی را تعریف نمائید.

۵ - فرق بین ایمان و اسلام چه است ؟

هنوزهم متلاطم گردیده و بتأسی از دستورات رب العزت که ارشاد فرموده (وجاهدوافی الله حق جهاده آیه ۷۸ سوره حج) یعنی جهاد کنید برای خداوند (ج) طوریکه شایسته اوست. جهاد حق علیه باطل را در پرتو ارشادات عالی تعالیم اسلام ادامه دهیم ومشعل فروزان دانش اسلامی را در مسلک جهاد علمی و مسلحانه تقویه نمائیم.

هموطنان عزیز شما مسبوق هستید که شاگردان عرفان اسلام از دونوع کتب مربوط دو اتحاد اسلامی قبلی مستفید بودند رهبران محترم تمام تنظیم ها به منظور جلو گیری از تشتت افکار فرزندان مجاهدین علم دوست و سربکف افغانستان درین او اخر به مسئولین تعلیم و تربیه مربوطه خود صلاحیت و هدایت دادند تا از تمام مضامین و علوم شامل نصاب تعلیمی برای صنوف مختلف یک نوع کتب طبع و به دسترس فرزندان مجاهدین ومهاجرین قرار بدهند که از نظر محتوا و مفهوم به دین مقدس اسلام شریعت غرّای محمدی و مذهب مهذب حنفی مغایریت نداشته و مورد قبول تمام اقشار مجاهد و مهاجر مسلمان افغانستان عزیز باشد.

به این اساس شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه تشکیل گردید و مورد تائید همه رهبران محترم قرار گرفت.

شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه مذکور اداره مرکز تعلیمی افغانستان را تأسیس نموده که دارای شعبات ذیل (مدیریت نصاب تعلیمی، مدیریت تدریسی و نظارات، مدیریت پلان، و ارتباط خارجی، مدیریت اجرائیه، مدیریت مالی، مدیریت تربیه معلم، ومدیریت سواد آموزی) میباشد.

منسوبین این مرکز را متخصصین تعلیم و تربیه و اشخاص مجرب از تمام تنظیم های جهادی تشکیل میدهدکه مجدانه و متحدانه در مورد پیاده کردن تعلیم و تربیه اسلامی و توحید نمودن نصاب تعلیمی سعی و مجاهدت

بی شائبه مینمایند

بعد از بحث و مشوره متخصصین نصاب تعلیمی در مورد تهیه کتب درسی مضامین مختلفه به این نتیجه رسیدند که نظر به شرایط دشوار جهادی و عدم وقت کافی کتب درسی مضامین مختلفه دو اتحاد اسلامی را که قبلاطرف استفاده بود باهم مقایسه و مطالب اهم آنرابا در نظر داشت دشواری قید زمان تدریس در عالم مجاهدت و مهاجرت انتخاب نمایند.

لذا مدیریت نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان مسرت دارد که موقع یافت تا تمام کتب مضامین مختلفه درسی تنظیم های جهادی را که از طریق نصابهای تعلیمی مختلفه طبع شده بود مقایسه نمود. مطالب وعناوینی را که از نقطه نظرسطح دانش فهم شاگران و شرایط جهادی از نگاه تعلیم وتربیه سهل تر و آموزنده تر بود انتخاب و در معرض چاپ قرارداد.

السلام مع الاکرام

مدیریت نصاب تعلیمی اداره مرکز تعلیمی افغانستان

فهرست عناوین عقاید شریف

شمارہ	عنوان	صفحہ
۱	مقدمہ	۰
۲	ایمان	۱
۳	ایمان فطری و ایمان کسبی	۴
۴	فرق بین ایمان و اسلام	۶
۵	تمرین	۹
۶	معرفت اللہ "ج"	۱۰
۷	اولین بنا ء اسلام	۱۳
۸	دلایل عقلی بوجود اللہ "ج"	۱۵
۹	دلیل امام اعظم بر وجود خدا "ج"	۱۷
۱۰	تمرین	۱۹
۱۱	صفات خداوند "ج"	۲۰
۱۲	فرق بین صفات خالق و مخلوق .	۲۷
۱۳	تمرین	۲۹
۱۴	خداوند "ج" جسم و جوہر و عرض نیست .	۳۰
۱۵	خداوند "ج" از جہت و مکان منزہ است	۳۲

شماره	عنوان	صفحه
۱۶	خداوند «ج» مثل و شریک ندارد	۳۳
۱۷	تمرین	۳۵
۱۸	ملائکه	۳۶
۱۹	تمرین	۳۹
۲۰	کتب آسمانی	۴۰
۲۱	قرآنکریم	۴۲
۲۲	ترتیب نزول قرآنکریم	۴۳
۲۳	تمرین	۴۴
۲۴	مشرک، ملحد، منافق، زندیق، مرتد، دهری	۴۵
۲۵	تمرین	۴۸

اهداف نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان

هدف عمومی : توحید نمودن نصاب تعلیمی تمام تنظیم های جهادی و بوجود آوردن تعلیم و تربیه خاص وجامع اسلامی که ضد هر نوع باطل پرستی و بدعت ها بوده و همچنین استحکام بخش مفاهیم و قوانین کلی اسلامی درجامعه اسلامی افغانستان باشد .

هدف خصوصی : تدریس توحید و وحدانیت به سپاهیان اسلام و رهروان راه حقیقت است تا متمسک سنن و قوانین عالی و معقول شرع انور طوردایم و قایم گردند این نصاب متضمن آسایش وسواد اسلامی بادرنظر داشت و جایب و شرایط جهادی، فلسفی، اقتصادی، فرهنگی، تخنیکی، مدنی و معیشتی بوده و درعین حال ممثل پیوند و اتصالات ناگستنی باجهان اسلام و مبین فلسفه مقدس اسلام عزیزمی باشد .

هدف نهائی : اعلای کلمة الله، نشان دادن عظمت و شان اسلام به جهانیان اضمحلال کمونیزم در افغانستان و جهان و مبارزه باطاغوطیان زمان براساس مبانی و اصول قوانین قرآن عظیم الشان شریعت غرای محمدی و فقه حنیف حنفی در راه حصول رضأی خداوند (ج) می باشد.

((وَمِنَ اللهِ التَّوفِيقُ))

اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان

مرکز تعلیمی افغانستان

مدیریت نصاب

عقاید
و
فقه

برای صنف پنجم

لا إله إلا الله محمد رسول الله

عقاید شریف

برای

صنف پنجم

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحيم

رب زدني علما

قال صلى الله عليه وسلم :

فرموده است حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ،

رضیت

راضی هستم

بالله ربا

که الله پروردگار ما است و

بالإسلام دينا

اسلام دین ما است و

بمحمد نبيا ورسولا

محمد (صلی الله علیه وسلم) نبی و رسول ما است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰى رَسُوْلِهِ الْكَرِيْمِ

يَرْفَعِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَالَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ

جز (۲۸) سوره مجادله آیه (۱)

ترجمه: خدا وند(ج) بلند میسازد درجات ایمان داران را از شما وکسانی را که به ایشان دانش روزی گردانیده است .

ازفحوای آیه کریمه استنباط میشود که هیچ نوع کیفیات حسنه برجسته وبالاتر از علم‌ودانش وجود ندارد. اهمیت تعلیم وتربیه در دین مقدس اسلام بحدی است که اولین کلمات وحی سماوی (اقراباسم ربک الذی خلق) میباشد بهمین اساس موضوع پرورش روحی و تربیت فکری اسلامی، اقتصاد، سیاست، عبادات، اخلاقیات، وحقوق بشری درلابلای تعلیم وتربیه قرآنی موضوعاتیست که در راس همه مسائل قرار میگیرد.

ما رهروان راه وحدانیت در دشوار ترین شرایط هجرت زمینه و امکانات آموزش اسلامی را بلطف خداوند (ج) طوری مساعدخواهیم ساخت که در راه حصول رضای رب الارباب هیچ نوع قدرتی درمقابل تصمیم واراده مقدس وخلل ناپذیر و فولادین ماسد شده نخواهد توانست. تمام اعمال وحشیانه و غیرانسانی کمونیزم بی هدف ازقبیل قتل عام، زنده به گورکردن چور وچپاول به آتش کشیدن مزارع وخانه‌ها تخریب وانهدام مساجد شریف مدارس واماکن مقدسه استعمال گازات سمی و پروپاگند های شباروزی در مملکت عزیزما افغانستان فقط و فقط علل تأخیر در تعمیل تصمیم گیریهای ماست وبس.

ملت مسلمان افغانستان که متمسکین حبل المتین و متعهدین کلام ربانیست دریای خشم انرجارشان .